

جریان محاکمه متهمین وزارت طرق

بعد از تنفس

یک ساعت و نیم قبل از ظهر دوازدهم محرم ۱۳۰۸ ریاست آقای جوان تشکیل گردید بدو بر حسب تقاضای دکتر حمید مهن وکیل مدعی خصوصی (وزارت طرق) مرأسله صادره از طرف وزارت خاتم گوریدبر کامیسا کس فرات گردید.

مرأسله مذکور حاکی زواگذاری نونل واقع در قطعه ۵ راه آهن جنوب بود سپس بر حسب تقاضای آقای ارسلان خالعیبری ریاست مهندسین مربوطه راجع مطالعه و اگذاری نونل نام برده شده که زبان فراسه بود از طرف آقای دکتر پرویز کاظمی فرات و ترجمه گردید این راپورت حاکی از این بود که از مهندسین وزارت طرق و نمایندگان کامیسا کس کمسیون تشکیل و پس از مطالعات لازمه تصدیق نموده بودند که نونل قطعه ۶ بدترین قطعه راه آهن جنوب میباشد و نظر اینکه لازم بوده تصمیات مقتضی در اطراف و اگذاری آن هر چه زودتر اتخاذ شود نظریات خود را تقدیم و تقاضای تعیین تکلیف نموده بودند.

بعد قسمتی از تحقیقات آقای یا کرد برای تکمیل تحقیقات از طرف ریاست محکمه فرات گردید.

در این موقع ریاست محکمه خطاب به آقای ماجدی (گروانی) اظهار داشتند که شروع بدفعه سانبه.

دفاع آقای ماجدی

آقای ماجدی بوکالت هفر از متهمین آقایان نبوی - معاضدی - یور سردار - و توفی - یا کرد شروع به دفاع نمودند

آقای ماجدی تصور میکنم قضات محترم و آقای مدعی العموم از روحیات و اخلاق من مدت و کالت که تقریباً ۱۷ یا ۱۸ سال می شود با خبر باشند که من همیشه سعی نموده ام در قضایای جنائی و جزائی بکنفر مشاور محکمه باشم و علاوه بر این مراقبت کرده ام که بر خلاف وجدان و قانون عریضی نکرده باشم این عرض من شاید موقعیت داشته باشد زیرا خود را اینطور می دانم و نا حال از این عقیده سربلجی نکرده ام امروز آقای مدعی العموم در موقع بیان دعوا در محضر محکمه موقعی که توضیحات و دفاعاتی فرمودند فوق العاده بنظر عصبانی می آمد و با یک حالت عصبانی بیاناتی فرمودند بنده می خواهم عرض کنم فرضا که ایشان یک اقراربری دیده اند و بر فرض صحت آن اقرار بر بازهم باید عصبانی باشند یک فلسفه برای مجازات عرض می کنم و نوجه می دهم آقای مدعی العموم را و آن اینست که جرم بخودی خود یک نوع مرضی است و آن مرض اخلاقی است همانطور که بشر و وجود انسان محل حدوث و عوارض مرض مزاجی است همانطور محل حدوث و عوارض مرض اخلاقی هم هست و این مسئله بعید بنظر نمی آید هیچکس هم نمی تواند بگوید چرا یکسکتر انسان محل بروز این مرض که عبارت از مرض اخلاقی باشد شده است و روی همین اصل است که این تشکیلات ایجاد گردیده یعنی تشکیلات مدعی العمومی و محاکم برای حفظ انتظامات اخلاقی جامعه تاسیس شده و ایجاد آن برای جلوگیری از حدوث این نوع امراض است در وجود افراد اجتماع و همان طور که یک طبیب وقتی مریض را معاینه میکند با کمال مهربانی و عطوفت و ملاحظت بمعالجه او می پردازد طبیب اخلاقی جامعه هم که همانا مدعی العموم ها و قضات میباشد باید با کمال محبت و مهربانی به معالجه امراض اخلاقی بپردازند و هیچوقت نباید در مقام اعدام یک مریض بر آیند البته معالجه کردن کار مشکلی است و باید دید از معالجه اینها چگونه جامعه می تواند مستفید شود و چه نوع می توان آنها را معالجه نمود

بنا بر این خیلی خوشوقتیم که امروز آقای مدعی العموم در طی صحبتشان از یک حقیقتی صرف نظر نکردند و اظهار داشتند:

« این آقایان که در محضر محکمه هستند از قوای عامه این مملکت بوده اند » و تصدیق کردند که اینها علمیان نشان و معلومان نشان مورد توجه بوده و بالاخره یک اشخاص عادی بوده اند که امروز این وضعیت برای آن ها پیش آمده است.

حالا اگر کاشمین جرم نخواستہ ابتدا یک درجه روی عملیات این آقایان امان نظر کرده و دنباله تحقیقات خود را روی کارهای اینها و خدمات این آقایان ادامه دهند فعلا این موضوع مورد نظر نیست ولی اینجا آقایان عاملین امر مهمی بوده اند و زحمات زیادی کشیده اند شبها در بیانها و سر جاده ها با کوه ها بروز آورده آن هم در یک مملکتی که خر سوار می ممکن نبود.

اشاء راه آهن با ایجاد طرق و شوارع البته عاملین آن را هم وادار به همکاری نموده است و اینها هم تاجائی که در فوه داشته اند فرو گذاری نکرده اند و حل اگر آقای مدعی العموم متوجه شده اند که جرائمی بر فرض صحت در کار بوده باید با ملاحظت و مهربانی در صدد اصلاح و ررم این مرض اخلاقی بر آیند

متأسفانه قانون و مواد آن وضعیتش طوری است که اگر از طرف کاشمین جرم و مامورین تحقیق جزئی لایبالی گری شود و روی نظریات آن مامور تحقیق حکمی صادر شود برای این قبیل مجرمین آن حکم منزله حکم اعدام است

زیرا وقتی که یک چنین اشخاصی از حقوق اجتماع محروم شوند این حکم محرومیت اجتماع از حکم اعدام بدتر است برای اینکه یک کابی برای این قبیل اشخاص نتیجه خواهد داشت بنابر این قضیه دارای اهمیت بسیار و سرشودت عده کثیری بدست این اوراق تحقیقاتی و این دوسیه ها است و از همین نظر است که باید دقت نمود در دلایل و براهینی که اقامه گردیده خالی از هر گونه شائبه و طبق موازین قانونی است یا خیر ؟ و ارزش قضائی اقرار این آقایان تا چه حد است ؟

آقای مدعی العموم فرمودند : « با آنکه قسمتی از اینها اقرار کرده اند چه شده که در محضر محکمه انکار می کنند » پس چون در اینجا اقرار بر خود را انکار نموده اند آقای مدعی العموم عصبانی بوده اند بنده عرض میکنم اشکالی ندارد زیرا اگر اشکالی داشت قانون یش بین نمی کرد ماده ۲۳۸ و ماده ۲۳۹ - قانون اصول مجازات جزائی بالصرافه می گوید اگر متهم در محضر محکمه اقرار نکرده یا اقرار طوری بود که ارزش قضائی نداشت وظیفه محکمه اینست که مراجع جزائی تحقیقاتی نموده و او ضاع و احوالی که ایجاد یک اتهام می را نموده در نظر بگیرد - و بطور کلی مقصود اینست که اگر اقرار شائبه داشته باشد قانون بان ترتیباتی نمیدهد - بنده همینقدر عرض میکنم مواد بسیاری هست که در اطراف این تحقیقات در نظر گرفته شده زیرا بنده خودم مدتها در قضایای تحقیقاتی متصدی بوم و الحق و الانصاف و وجدان عرض میکنم که این جریانات مطابق ماده ۴۴ قانون اصول مجازات جزائی بوده است مستنطق وظیفه دار است با کمال بیطرفی و بیطرفی تحقیقات بکند و در کشف جرم آنچه که بدست میاید بطور اعم بنفع و ضرر متهم دبال نکند نه اینکه آنچه به ضرر متهم میباشد تعقیب نماید و نکات مورد استفاده متهم را بنگی محو و ما بود کند. اینست که عرض میکنم که این جریانات مطابق ماده ۴۴ نبوده و همینطور مقررات مواد ۹۲ و ۹۷ اصول مجازات جزائی هم ایدار رعایت شده این عقیده بنده است و من اینطور استنباط میکنم

مطلب دیگری را هم که باید تذکر و توجه بان داشت اینست که مدعی باید دعوی خودش را مسلم و مدلل بدارد و الا مدعا علیه بر طبق اصول کلی که آن « عدم است » راحت است در دعوی حقوق هم همینطور است و در جزائی به طریق اولی است آقای مدعی العموم باید دلالتی اقامه کنند که شائبه خلاف دوش نرود لکن قوانین جزائی بالاخص جنائی باید بطور قطع جرم مشکوف و مشهود بشود این است که در حقوق اسلامی هم که بزرگترین حقوق های دنیاست گفته اند « ندرع الحدود بالشبهات » اگر شبهه پیدا شد دیگر قاضی نمیتواند حکموت کند تا ررم آن شبهه شود و بطور منجز قضیه روشن گردد این است که اینها را باید در نظر گرفت زیرا اگر یک مقصر واقعی تر نه شود ضررش برای جامعه کمتر است تا اینکه آدمی قصیری محکوم شود و ما هم تسلیم هستیم و می خواهیم در حفظ انتظامات و جلوگیری از فساد اخلاق کمک نموده و تشریک مساعی نماییم اینها مقدمایی بود که بعرض محکمه رساندم حالا می آیم روی قضایای آقای نبوی سه اتهام به آقای نبوی سست داده شده که بنده فعلا قسمت سوم آن را بر عرض میرسانم و از قسمت سوم دفاع میکنم و آن این است که : « نالنا - اخذ میاغ ۲۷۵۰۰ ریال رشوه از لوین نماینده

کمپانی انکیسی بوسیله عیسی کورس مدر تجارته کورس روی این نکته است که میگویم تحقیقات درست بعمل نیامده - زیرا نبوی در نزد مستنطق می گوید این دوجک بوده است که لوین از اروپا فرستاده است و من ندانستم برای چه امری است آقای مدعی العموم میفرمایند این دوقطعه یک را که گرفته بطور نه میدی برای چه امری است و حال آن که آدرس کمپانی معلوم بوده و معلوم نیست چرا متصدی تحقیق که آدرس کمپانی را هم میدانسته و وسائل هم برای او سهل بوده زحمت تحقیق از لوین را بخود نداده است ولو بوسیله یک مراسله در صورتی که باید تحقیق بشود و اگر بلوین مینوشتند جواب میداد بولی ندادم و این دلیله اظهارات سابق من است که عرض کردم ماده ۴۴ قانون رعایت نشده حالا این قسمت را صرف نظر نموده می آیم روی اساس فرضی آقای مدعی العموم میفرمایند ۲۷۵۰۰ ریال موکل بنده بوسیله عیسی کورس رشوه گرفته است اولاً برای چه امری رشوه گرفته اند بایستی در این موضوع دو چیز برای محکمه محقق و مسلم بشود یکی اینکه وجهی را که آقای مدعی العموم میفرمایند بعنوان رشوه داده شده باید بدعمل انسانی رشوه هست یا نیست با اینکه ماده دهم قانون مصوب ۱۳۰۸ - فوق العاده تعمیم داده شده ولی یک نکته هست که باید مورد توجه قرار گیرد وقتی می توان رشوه گفت که پول برای انجام امر یا امتناع از انجام امری گرفته شده باشد اگر به غیر از این بود رشوه صورت پیدا نمیکند در این جا آقای مدعی العموم کدام عملی انجام شده یا از کدام امری امتناع شده که رشوه به آن اطلاق شود اساساً این اتهام با قطع نظر از اینکه در محضر محکمه بکلی مورد تکذیب واقع شد قابل تعقل نیست برای چه امری این رشوه داده شده ؟ اگر برای پیشنهادهی که بوزارت خاه می داده و از آنجا ارجاع به کامیسا کس میشده این پول داده شده باشد این اتهام قابل تعقل نیست اگر یک عرضحالی به رئیس کل محاکم بدایت داده شود وظیفه او اینست که این عرضحال را بیک از شعب ارجاع نماید هیچ تعقل دارد یک کسی رشوه بدهد که عرضحالش بجریان افتد

این پیشنهادهی که کمپانی انکیسی داده است پیشنهادهی از طرف فروش مواد مخدره بوده و این پیشنهاده را نمیتوانسته است که نگاه بدارد یا به اداره فنی فرستد

بظواهرات کورس وقتی که مراجعه میفرمایند اینطور بیان کرده « پس از آنکه پیشنهاده مارشدند دوباره پیشنهاده دادیم - پس از مراجعه به اداره فنی آقای نبوی گفتند سه چهار هزار تومان بدهید تا ما بعد حساب کنیم »

با کمی دقت در این عبارت سستی آن هویدا است آقای نبوی که خودشان تصدیق دارند یک آدم تحصیل کرده و ۲۵ سال سابقه خدمت دارد و مقام اداری او هم خوب بوده آیا ممکن است در یک چنین وضعیتی و برای فرستادن و دادن پیشنهادهی که روی جریانات اداری قسمت فنی مراجعه میشد بگوید من احتیاج به پول دارم و شما علی الحساب سه چهار هزار تومان بین بدهید این اظهار قابل نقل و تصور نیست تا چه رسد در خارج حقیقت داشته باشد.

دیگر اینکه در تحقیقاتی که از آقای کورس شده قضیه طوری است که میرساند کذب اظهارات مشارالیه را زیرا از ایشان سؤال میشود که این پول در دفاتر شما وارد شده یا خیر . کورس میگوید این وجه در دفتر ما وارد نشده و حال اینکه امکان ندارد وجهی را بیک نفر ناچر که نماینده کمپانی است از او بگیرد و در دفترش وارد یا خارج ننماید و این وارد نشدن در دفتر تجارخانه کورس اقوی دلیله کذب اظهارات مشار الیه می باشد.

یکی دیگر هم اظهارات ایشان در صفحه ۲۴ است دائر بر این که کورس می گوید سه هزار تومان چک داد به من و من در دفترم وارد نکردم و نمی دانم لوین این وجه را از کجا آورد و بعد می گوید لوین ماهی ششصد هفتصد تومان برای مخارج بومیه از من می گرفت این اظهار کورس که لوین مخارج بومیه اش را از من می گرفت می رساند که لوین پول همراه خود نداشته است پس از کجا این پول را آورد که بدهد عیسی کورس و ایشان هم یکگام به سوی بدهند پس اظهارات عیسی کورس اساساً بی ربط می باشد

یکی از دلایل آقای مدعی العموم اینست که کورس از مذاکره در اطراف عتقه جات در منزل سوی اظهار بی اطلاعی کرده است این را قریبه گرفته اند برای آقای نبوی که چون کورس اظهار بی اطلاعی کرده است خریداری مرمع صحت ندارد

بنده سؤال می کنم چه مانی دارد که

تفسیر

سه قسم تکلم زبان فرانسه
کتابیکه بوسیله رادبو به نطقانی که در جشن واقعه در ویی ابراد شد گوش دادند تصدیق میکنند که در آن واحد در آنجا سه قسم زبان فرانسه تکلم گردید : اولی زبان فرانسه فرانسوی که لووین رئیس جمهور با آن حرف زد ، دومی زبان فرانسه و کامادائی که خشن تر و کم ملاحظت تر از زبان اولی بود سوی زبان فرانسه که ادوارد هشتم پادشاه انگلستان با آن حرف زد و استماع این طرز تکلم آخری برای انکیسا راحت تر میباشد از زبان فرانسه که ساکنین ماوراء ماش حرف میزنند.

پادشاه انگلستان بنا رسوم و عادات قدیمه انگلستان زبان فرانسه را طبق قوانین و قواعد دستوری زبان فرانسه صحبت میکند و هیچ اضرائی در شباهت لهجه خود به لهجه فرانسویها ندارد.

چند نفر در یک مجلس دور هم باشند و مذاکرات یکمده را بقیه مطلع نشوند از طرفی در همان صفحه ۲۴ می گوید مختصر مذاکره شد که راجع باشیاعت عتقه و مرمع بود

اساساً اظهار بکنفر بر علیه دیگری در قضایای جزائی دلیل نمیشود اگر اینطور باشد به اظهار بنده که بگویم فرضاً ۵۰۰ تومان به فلان شخص دادم این را می توان مدرک و دلیل اتهام جزائی دانست در دعوی حقوقی هم اظهار بکنفر حتی در محکمه صلاح هم دلیل نمیشود در کارهای جزائی شاید اظهارات آقای کورس برای استفاده بوده که از لوین میخواست است بنماید و صرف اظهار او این قضیه را اثبات نمی نماید

یک دلیل دیگر آقای مدعی العموم این است که موکل من گفته است لوین چک را فرستاد و کورس آورد داد - این را با یک حدس سیاق دروغ بودن آن قضیه ذکر کرده اند و نتیجه گرفته اند که همان اظهار کورس صحیح است فرضاً که قضیه دو طرف را چک دروغ بوده خیلی تعجب است لوین که مخارج و مصارفت را روزانه از تجارتخانه کورس می گرفته از کجا پول آورده که چنین حواله را بدهد

در بین ایرانیا هم معمول است که اگر طالب یک شئی شدند پول آنرا قبلاً می فرستند که طرف مجبور به ارسال آن شئی بشود در منزل نبوی که صحبت از مرمع شده است لوین چون طالب آن بوده از آنجا پولش را حواله میکند که ایشان اجباراً آنرا بفرستند و این مسئله هم هیچ مانعی ندارد و در این جا چون اختلافی بین اظهارات کورس و نبوی شده آقای مدعی العموم ترجیح داده است که آوردن چک را از طرف کورس بمنزل نبوی دلیل قرار دهد یک موضوعی که تذکر آن لازم است موضوع

کمپانی انکیسی است این کمپانی یک نماینده سیار دارد که در ممالک شرق برای معاملات مسافرت می نماید و روی همین اصل نمایندگی خود را به تجارتخانه کورس داده است وقتیکه بایران وارد میشود پس از مطالعات لازمه پیشنهاده خود را بکورس داده و میرود و ایشان پیشنهاده را بجریان انداخته و دنبال میکند

و بطور کلی اظهارات کورس را نمیتوان ترتیب اثر داد زیرا در محکمه اظهاراتش طوری بود که آنرا صریح و آنرا معلوم بود گفت من چکنم مرا توقیف کردند حبس کردند تجارتخانه من و آرو من در معرض مخاطره قرار گرفته بود و البته کسی که زندگیش از میان میرود اگر برای استخلاص خود دروغی هم گفته باشد اشکالی ندارد ولی در اینجا در کمال صداقت گفته های سابقش وارد آمد - حالا آقای مدعی العموم فرمودند این اظهارات آقای کورس درباره آقای اشاردر دیوان عالی تمیز نایب و مورد حکم واقع شده این قسمت را نمی توان دلیل صحت بیانات فعلی قرارداد زیرا آن حکمی را که مادر روزنامه ها خواندیم یک جهات دیگری داشت و آن موضوع وصول کردن چک بوسیله مفازه عزیزی و سایر دلایل بود و صرف روی اظهارات کورس نبوده است

بنابر این میبایم ما و اظهارات کورس و آنهم بدلائل و قرائنی که حاکی است خلاف حقیقت میباشد و خودش هم در محکمه تکذیب نمود و دیگر نمی توان با اظهارات ایشان ترتیب اثر داد و من چون کسالت داشته و حال مساعد نیست می خواهم بقیه صحبت را به آقای حجازی وا گذار سایم که ایشان شروع بدفاع نمایند

در اینموقع ریاست محکمه خطاب به آقای ملک اظهار داشتند که ایشان شروع به دفاع نمایند

آقای ملک قسمتی از مقدمات نظریات خود را در باره متهمین اظهار و بیکریع بعد از ظهر جلسه محاکمه خانه یافته و بقیه دفاع ایشان را موکول به امروز صبح شد

در اطراف مسابقه

مشاهده چه آثاری

بزرگترین خوشحالی رادمن ایجاد میکند

آقای مدیر محترم

بنده آن طوری که باید و شاید معلومات کافی در طرز انشاء و قلم سرائی ندارم که کمالاً بتوانم عرایض و مقاصد خود را در رشته تحریر و آردم ولی با این وصف در مقابل این که چه آثاری بزرگترین خوشحالی را ایجاد میکند بیکر فاسر بنده یک موضوع را سبب ترقی و تعالی خود و سایرین دانسته و خوشحالی خود را در آن ساعتی میبینم که سعی و کوشش را در وجود خود احساس و استنطاق نموده و بدانم که برای انجام هر مقصوداً کمال جدیت کار میکنم تا بلکه موفقیت حاصل نمایم حقیقتاً چه خوش شتوالی و چه نیکو مسابقه است چون مدت مدیدی بود که میل داشتم هموطنان خود را بدین نکته متذکر سازم و بفهمانم که ترقی هر ملت و فردی منوط و وابسته بسعی و کوشش است چه بسیار اشخاص که سعی و کوشش را شعار و دثار خود ساخته و بر تائب عالیها نال کنند

مگر پرسورها و مخترعین چه بودند که بدو جات عالی رسیدند هیچ چیز در بین نبود جز این که از ابتداء فهمیدند اگر خواسته باشند زندگی سعادت مندی را دارا شوند باید سعی و کوشش کنند تا موفقیت حاصل نمایند

چه خوشی از این بهتر و چه سعادتی از این برتر که این ساعت با قوت قلب متفرخانه به هموطنان خود عرض میکنم (بکوشید تا کامیاب شوید) اثبات این موضوع بخوبی واضح و مدلل است و ترفیات روز افزون ما یکی از دلایل آن بشمار میرود که مشاهده میکنیم آیا حقانیت آن قابل تصدیق نیست که پیشروی و تمدن امروزه نسبت بسابق و با امنیت و آسودگی حالیه نسبت به پیش البته بجذبت و اقتدار سعی و کوشش حاصل شده است.

ساختمان های پاهای عظیم و غیره و پائالسیس کارخانجات که باعث پیشرفت و ترقی مملکت میباشد واضح است که بوسیله سعی و کوشش انجام گرفته با کمال جرأت و سواد یاد میکنم که توسعه معارف و ترفیات امروزه مملکت و با احداث خطوط آهن اگر سعی و کوشش در آنها مدخایت نداشت مانند سابق برای لایمحل میماند بنابر این سعی و کوشش است که خط شمال را بجنوب وصل کرده و مرا از شرح و توصیف خود عاجز ساخته

چه منظره جالب و خوشی را می بینم در روز جمعه و چه خوشحالی را در وجود خود مشاهده میکنم در آن روز که بجنوب شهر رفته و نیم ساختمان ایستگاه را میدیدم حقیقت که بر تشکرات قلم افزوده میشد و مسرت و خوشحالی زیادی در کانون قلم شعله ور بود.

از مشاهده منجبتی که با جدیت تمامی مشغول بکار و با سعی و کوشش زیادی آنرا برپا نموده که متصل بوسیله آن پایه های ستون و ساختمان آن را اسفالت و سمنت ویزی کرده و با کوشش زیاد نزدیک بخانه بود

طرف دیگر عملیات را می بینم با جدیت هرچه تمامتر و جبین آلوده برق مشغول بسلیات آن میباشد تا با اینها خوشی از برای شخص حاصل نمیکند و با این وضع مسرت و خوشحالی اطراف شخص را احاطه نخواهد کرد که بعد از مدت مدیدی انتظار کشیده و حالا وطن عزیز خود را به بیند که دو بترقی و عمران کامل رفته و مردمان آن با هر چه تمام تری میگویند

تاسعادت خود و هم نوع خود را نامین نمایند از قول امیر تیمور کورکان است که وقتی دریرش شکست خورده و بخراجه نمانده شدم و از خوف جان خود را بدان ویرانه بنهان ساختم در آن ضمن موری را دیدم که با جدیت هرچه تمام تر دانه از خود بزرگتر را بر دهان گرفته و از دیوار بالا میرود و بواسطه بی قوتی چندین مرتبه از وسط راه بزمین افتاد با این حال از حمل آن منصرف شد بلکه سعی و کوشش کرد تا در مرتبه هفناد و یکم حمل آن نائل گشت می گوید من از مشاهده این احوال پند گرفته و گفتم : شخص نباید در کارها از موری کمتر بوده و بلکه بیوسته اوقات باید بکوشد تا کامیاب شده و ببعردی که این فکر در خاطر من خطور کرد توابع خود را جمع کرده و کوشیدیم تا دشمن را ذلیل و بر آن ها غلبه یافتیم

تهران - ماشاءالله بنگدار

کتاب پیشاهنگی ایران

تالیف سودندی امیر انکارش آفای حسامزاده یازارکاد معاون اداره پیشاهنگی بنام «پیشاهنگی ایران» از چاپ خارج و بداره واصل گردیده و این کتاب سودندی که در ۶۰۰ صفحه بقطع متوسط چاپ شده از کتب مفیدی بشمار میرود ندر باب پیشاهنگی نکارش یافته است.

کتاب «پیشاهنگی ایران» در حقیقت یوزاد نهضت ورزشی است که در سراسر کشور پدیدار گردیده و تبیین جوان کشور در بیهوده این نهضت بغیر گرفتن معلومات ورزشی و فنون مربوطه به آن نیازمند هستند. وجود چنین تالیفی خدمتی جداگانه باصول و روح ورزش با بشارت هنر تهذیب اخلاقی میباید که در سابه پیشاهنگی و ورزش و آشنائی بفنون خاص تربیت بدنی حاصل میگردد.

آفای یازارکاد که رنج تالیف این کتاب را کشیده از اشخاصی هستند که خود در اصول پیشاهنگی صاحب رای و نظر بوده و مطالعات و اطلاعات وسیعی در این باب دارند - و بانسب می توان گفت تالیف تازه ایشان؛ مانند تالیف دیگرشان که در سال گذشته چاپ و انتشار داده مورد استفاده عموم جوانان ورزشکار و علاقمند به پیشاهنگی می باشد و رنج ایشان در راه تالیف این کتاب قابل تقدیر است.

که آلمان را در مقابل پیشنهاد مذاکرات قرارداد؟ در همین حال فرانسه خاطر نشان می کرد که در صورتیکه هیتلر شیت وضعیت حایه ارشی را در مشرق اروپا قبول کند زمینه برای بسط مذاکرات با دلول ذبنع اروپای مرکزی و شرقی حاضر شده و اختلافات این نواحی هم رفع خواهد گردید لئون باوم و دلیوس مجددا خود را حامی اصل حمایت محلی نشان داده و تصمیم خود را دائر بنگهداری جامعه ملل اعلام داشتند.

اما اتحاد و اتفاق که در روی این نکات بنا شده بود موجب خشم دول آلمان و ایتالیا گردیده و مطبوعات این دو دولت از انتقاد خودداری ننمودند از ۲۴ ژوئیه بعد نمایندگان فرانسه و انگلیس و بلژیک بیک اقدام جمعی در نزد حکومت های رم و برلن برای دعوت نمودن از آن ها بمنظور انعقاد کنفرانس ۵ کاه متوسل گردیدند و شب ۳۱ ژوئیه خبر دادند که رم و برلن رسماً قبولی خود را برای حضور در کنفرانس اطلاع داده اند. باید مجدداً ذکر کرد که موضوع قشه ایتالیا که با جسارت پیشنهاد شده هنوز از بین نرفته است همه میگویند که دیپلماسی فاشیست قدیمی قشه تشکیلات اروپا نهاده ولی از پیشنهاد کردن آن منصرف گردیده است.

بدین طریق روش آینده ایتالیا عبارت از این است که اگر کنفرانس ۵ کاه بجائی نرسد بر گرام خود را قسمت قسنت عملی کرده و بدین طریق وضعیت آینده قطعی است همان طور که یکمقاله بویس تاپیس گفته «یک موقعیت جدید که در عین حال آخرین موقعیت هم می باشد با رویا اجازه میدهد که اوضاع خود را منظم نماید و این موقعیت هم فقط در نتیجه دستورات صالح طلبی است» - از لوموا -

میدانهای جنگ داشتن بوسیله سخنان کمر آویز و یکرشته حرف هائی که متانی با اخلاقی و بدین آئین بود جوانان را چنان از راه بدر بردم که هیچ مشروری و یا مخدروی آن اندازه تاثیر بد در اخلاقی شخص نمی کند زیرا چنانکه عرض کردم من موظف بودم که آن جوان را برای اعمال خطیری آماده و حاضر کنم

من آن هارا مثل پیشاهنگان تعلیم می دادم و اعتماد و محبت آن ها را با هر حیل و نیرنگی که یکمفر فرماده می تواند بکار برد جابج می نمودم . من این جوان را از راه بدر بردم روح آن ها را بستم تا درجه یتیمی سوخ دادم روح خود را نیز آلوده نمودم و بهر زبانی بن در دادم و قساوت قبرا در خود تزریق نمودم تا آن که در جنگ فاتح شوم.

«گرات» در اینجا مکث کرد که هم مراجعه جمالی به گفته های خود نماید و هم تاثیر سخنان خود را در آن زن مشاهده کند - او در نزد این اجنبی یعنی آن هیگل کوچک که مثل موم در مقابل او قرار گرفته بود اقوال به تألمت روحی و درد های نهایی خویش سوده بود .

شرابی که بر زن برای او ریخته بود سر کشید و دو باره بشرح گذارشات ادامه داده گفت: «الته تاریخ تاثیر این گوبه تعلیمات را در عمل ثبت نخواهد نمود ولیکن از آن چه که بر سر من آمده و آن چه از تعلیمات مزبور برای من تمام شده چیزی نخواهد نوشت من از ذکر احتیاجات جنگ شرمندم ام زیرا یکسری از ضروریات جنگ همین بوده است که من را وادار نموده است که ارواح مردم را به یادی دچار سازم و مردم را اخلاقاً رو به تدبی و انحطاط سوق دهم ولی تصور فرمایید که من فاقد تربیت بوده یا

آلمان و وین

سیاسی برلین دروین نخواهد بود ؟ آبا الحاق اتریش به آلمان قبل از ربائی که نازی ها و آلمان دوست ها در اطریش با حکومت در زد و خورد بودند واقع نخواهد شد ؟

آبا در حقیقت اینست که کلمه «استقلال» بخودی خود در اعلامیه رسمی گوبلس ابدا وجود ندارد !

واما ایتالیا بنظر میرسد که میخواهد زمینه را برای نقشه وسیع صلحی که بر روی توافق هفت دولت فرانسه و انگلیس و آلمان و ایتالیا و روسیه و اتریش و هنگری و لهستان بنا شده باشد مهیا کند مملکت هنوز دو مانع مهم برای این کار موجود است یکی از طرف آلمان که ابدا با اتحاد روسیه موافق نخواهد بود و دیگری از جانب سایر ملل وابسته به اصل حمایت دسته جمعی و تساوی دول . بالاخره در مقابل یک چنین پیشنهادی که رسماً ارسال شود وضعیت فرانسه و انگلیس و اتحاد صغیر چه خواهد بود ؟ مابین ممالکی که عضو اتحاد صغیر هستند ترس از قرارداد آلمان اطریش بیش از همه جامع و سوس است یک اتحاد آلمان و ایتالیا که در آن اطریش و هنگری و لهستان هم شرکت داشته باشند تهدید مستقیمی برای چک و اسلواکی و یوگوسلاوی و رومانی که مخالف با جدید بنظر درمعهادات اروپای مرکزی هستند می باشد.

کنفرانس لندن

پس از مذاکرات سکروره در لندن موافقت هائی خیلی بیشتر از آن چه زمینه آن با هایت دفت از طرف حکومت های ذی نفع تهیه شده و تحاصل گردید. دولی که در لندن مجتمع شده بودند سه تا ازوم یک اجتماع در بروکسل را قبول کرده و انعقاد یک کنفرانس بر کباب تمام دول امضاء کننده معاهده لوکارنو را برای ایجاد معاهده دیگری که چا نشین معاهده لغت شده لوکارنو از طرف آلمان در منطقه ربائی برای نگهداری صلح در این سرزمین باشد قبول نمودند و دول فرانسه و بلژیک و انگلستان برای اجتماع و انعقاد کنفرانس دیگری پس از این کنفرانس برای حل تمام مسائلی که ممکن است روزی باعث بروز مشاجرات گردند موافقت حاصل نمودند.

باید حسن نظر و صمیمیت و دوستی را که در آن مذاکرات لندن جریانی یافت و سرعتی را که در انعقاد قرار داد مشاهده گردید از نظر دور نداشت -

متفقا تمام نمایندگان بر این عقیده بودند که توسعه بین المللی که در اثر اقدامات آلمان در قبال معاهدات و رسای قدم بنسبه ظهور گذارده بدون خطر نمی باشد.

و در این شرائط انگلستان و فاداری خود را به ضمانت های نظامی مورخه ۱۹ مارس اعلام داشت -

و در مقال این نشانه حسن نیت نمایندکان فرانسه هم مصمم گردیدند که از حق قانونی خود که از طرف معاهده لوکارنو به آن ها اعطاء میشد صرف نظر نمایند.

استفاده از چنین حقی آ یا با ایجاد دو قسمت مخالف در اروپا منتهی نمیکردید. ایجاد زمینه برای مذاکرات مثل این نبود

تحریک نازی های اتریش حمایت چندی با موافقت نازی های آلمان اما اوضاع اروپا تغییر کرد : ایتالیا خود را ازدول غربی کنار کشید و کابینه برلن در نظیروا بوضع خوبی جلوه گر شده و برلن هم مصمم شد که مجدداً مرا حساسات ایتالیا غلبه نماید پس از آنکه ایتالیا مصمم شد که اتحاد محکمی نظیر اتحاد صغیر ایجاد نماید ملاکرات صربیه با کابینه های وین و بوداپست شروع گردید . علاوه برلن از مارس ۱۹۳۶ - ملاکرات با فعالیت غربی مابین هیتلر و موسولینی جریان داشت و یقین بود که نتیجه این ملاکرات و نزدیکی با شناسائی رسمی استقلال اتریش از طرف آلمان و بارها نمودن تهدات ایتالیا از طرف آن دولت در حوزه دواوب بود

ارزش هیچیک از این احتمالات قلاکالا معلوم نبود اتحاد آلمان و ایتالیا کاملاً عملی شد اما محقق شد که در زمینه آن عملیات با فعالیت ادامه دارد. در همین نقطه بود که مذاکرات آلمان اتریش وارد عمل گردید

در این جا خیلی بهتر بود اگر میشد فهمید که آبا فوراً با اعطای استقلال اتریش مخصوصاً اتحاد خود را با موسولینی آسان ترمی نمود . مبادلات آراء بین شوشنیک و فن پاین در ۱۱ ژوئیه به اتمام رسید در همان شب فن پاین با فوردر آلپ های بایر ملاقات نموده و نتیجه مذاکرات را با اطلاع هیتلر رسانید

پس از آن یک اعلامیه رسمی که در بران از طرف دکتر گوبلس رئیس تبلیغات آلمان منتشر گردید با ضافه اعلامیه دیگری که با رادیو در اتریش منتشر شد امضای قرار داد آلمان و اتریش را به اطلاع ملت آلمان و اتریش رسانید . ولی لحن اعلامیه ها قدری مبهم بنظر می رسید و هر دو بدین طریق خلاصه میشد . آلمان استقلال اتریش را محترم شمرده و در امور داخلی آن مملکت دخالت نخواهد نمود

دروین اطلاع می دادند که ابدا موضوع احترام از ناسیونال سوسیالیست ها در بین نبوده و بالعکس نازی ها خیلی جدی تر از سابق تعقیب خواهند شد . این با خطوط برجسته قرار داد آلمان و اتریش بودند ولی از قرار دادهائی عقی اطلاع می دادند که نیست و هنوز صحت یا معلوم نیست بغیر از نتایج اخلاقی هیتلر چه فایده از این قرار داد بدست میاورد.

چنان چه ما حدس میزنیم ممکن است در اثر میل به نزدیکی با ایتالیا آلمان خواسته است صریحاً از الحاق اتریش که ابدا با نظریات ایتالیا موافق نیست صرف نظر نماید ویا ممکن است بدین طریق خواسته جوابی به پرستشنامه ۶ انگلستان داده باشد هم چنین ممکن است فرض کرد که ایتالیا در این عمل دل میانجی را بازی نموده است.

این قرارداد در متن خود استقلال اتریش را ضمانت مینماید . ولی از ۱۲ ژوئیه شناسایی شوشنیک از احساسات خود نسبت به یک آلمان خوب همیشه در سطهای خویش سخن میراند

بنا بر این ممکن است از خود پرسید که روابط معمولی اطریش و آلمان که بر حسب این قرار داد بروی کار آمده آ یا موجب نفوذ اقتصادی و نفوذ

نقشه W

یا طرح ۷۷

فصل دوم - در خانه بیهوش زن

مثلاً برای آن ها منظر داخراش یک سربازی را شرح میدادم که خیاره دشمن یکطرف صورت او را بگلی برده بود البته دیدن چنین منظره خوش آیند نخواهد بود با فرض سربازی را شرح میدادم که مواد منفجره احشا و امعی او را بیرون ریخته بود شنیدن این گزارشات جانگداز هر مرد قوی و نیرومندی را روحا کسل و خسته و دل امسرد می کند . مشاهده یک جسد مرده متورم و سیاه وحشت آور است

« فراوملر » چشمان خود را بادستهای خویش مستور نموده و همینکه دید « گرات » ساکت شده است گفت « خواهش میکنم باقی داستان را بفرمایید .

گرات گفت من موظف بودم که دسته پیشاهنگان با حادته جوانان سابق الذکر را برای مواجهه با هر گونه مالمیم با سختی درشتی های روزگار و خاصه اوضاع با گوار جنگ آماده سازم در صورتیکه خودم شخصا از آن اوضاع بیزار بودم در عین حال ترسیدم از این که آن ها با بعضی از آن ها از شنیدن آن مطالب خود را با ختا و از میدان در بروند در صورتیکه اول چیزی که من از آن ها توقع و انتظار داشتم یک روحیه قوی و یک حس اعتماد و اطمینان بنفس بود ضمناً بی تجربه بکی آن هادر زندگی برای من خیلی قیمت داشت خودم شخصاً سه سال تجربه یات باخی در

در مراکش اسپانیول در تتوان یکی از منطقه شورشیان چه دیده میشود ؟

فاشیستها میگویند ما طالب «یک اسپانی متحد و قوی و لایق» هستیم

مقاله را که ذیلاً بنظر قارئین خود میرسانیم یکی از مخبرین مخصوص لوژورنال با تلفن برای روزنامه خود تقریر کرده است

مسافری که از یکی از ممالک اروپائی که دارای امنیت و آسایش و خصوصاً راحتی مسافرت هستند وارد خاک اسپانی شده واز آن جا به مراکش فرانسه و سپس طنجه عارم شود بی اختیار دوچار یک سلسله افکار وحشت آور و تعجب آمیز گردیده و مناظری هیجان انگیز منظر او را دستخوش اضطراب می نماید .

در نواحی طنجه و مراکش اسپانی در هر قدم مسافر را از حرکت باز داشته و گذر نامه و اجازه عبور و شناسنامه او را مورد بازرسی قرار داده و سپس اتانیه و چندان هارا شکافته و حتی لباسها و بالشتها را نیز برای بازرسی کامل باز نموده بازدید میکنند

در فاصله چند کیلومتر رو بداخل مراکش یعنی هر چند در بنگاون آش و اهلاب و دیگر کشورشوم این بازرسیها سحت می شود بطوری که در یارده نقاط نام لباسها و کفش مسافر را بازرسی (تفتیش) نموده یارده اوقات بدخت لباس تر را نیز می شکافند ! !

در فاصله محاور عمارات تشکیلات پاپس و کمراک دیده میشود و پس از بازرسی (تفتیش) که در این محل بعمل میاید قراولان و مامورین دروازه شهر (این لغت را برای تعیین حد قلمرو سربازان ساحلوی ناحیه استعمال نموده ایم و باید دانست که در آن دیار هیچکسو دروازه وجود ندارد) مجدداً اتانیه مسافرن را بازرسی نموده و حتی کلاههای معروف به « کاک گواوینال » را نیز شکافته و انواع مختلفه مورد بازرسی قرار میدهند .

در موقعیکه مامورین از بازرسی اتانیه من فراغت حاصل نموده و سایرین را مورد همین معامله قرار میدادند من عکس این منطقه را برداشتم ولی هنوز در برین را بوضع اصلی خود برنگردانیده بودم که سربازان مرا احاطه نموده و با طاق اسفر کشنیک هدایت نمودند مشارالیه کاهی غضب آلود بنموده و اظهار داشت :

مگر میدانید در مناطق جنگی عکس برداری ممنوع است ؟

اظهار داشتم این عکس مناطق جنگی نبوده و عکسی است که از عمارت کمراک برداشتم .

- « در حال این عمل جرم است » این بگفته و در برین را با تمام فیلمهای موجوده در آن وسایر بسته فیلماتی که همراه من بود توقیف نمودند اطراف مرا دیواری از جوانان ۲۰ ساله که دارای لباس آبی بوده و بر روی باروی خود نوار سیاه و قرمز متصل نموده بودند احاطه کرده و در بالای سرم از اطراف برق سرنیزه های آلمان مشهود میگردد . این سربازان بر روی کمربند خود نیز طیانچه اتوماتیکی فرار داده و طورکی از تجهیزات خود سحت در مضیقه بودند . اسفر کشنیک پس از تلفنهاو کسب اطلاعات

شد و روت .»

« گرات » گفت « آری می دادم . صحیح است . صحیح است . ما همه دیگر بودیم و من اورا خوب شناسم »

پیرزن به صحبت خود ادامه داده گفت « هنگامی که وی از طرف رئیس مهندسین در هشت ماه قبل به اداره کل فئون احضار شد خوب خاطر دادم که خیلی خوشحال بود ولی از یک چیز واهمه داشتم . قشون به علم و اطلاع و خلاصه قوای دمائی و فکری وی احتیاج داشت زیرا یکی از مهندسین بزرگ بود . سه روز از من جدا شد سپس مراجعت نمود بقدری از ماموریتی که بدو داده بودند خوشوقت و مفتخر بود که می توانست خاطر اب خود را از من منگنوم بردارد . بگفته بیش من بود ولی همه روزه به

« هاینرینگ » می رفسد در آن چامدی بود که از خبر انتفاع ساقط گردیده بود پس من در آن معدن یک نجارب و آرمایش های علمی برداشته بود ولی بطوری که هیچکس خبر نداشت و خیلی سعی داشت که احدی از کار اوسر دریابارد .

یک عده دو سه هزار نفری از محوسین فرانسوی و انگلیسی و روسی که اطلاع از معدن داشتند در اختیاری گذارده شده بود . من خود آن بیچارگان را بچشم خود دیدم آن بدست ها دانا کار میکردند البته کارشان تقسیم شده و بوشی بود ولی هر بوشی چندین ساعت بود .

اسکوروت ها اشخاص کنجکار را از مرکز معدن که نقطه اصلی بود دور نگاه میداشتند آن ها با سکوت آمد و روت می کردند . اول ریت پس من شها چندین ساعت روی قشه های خود کاری کردیم . این بشر او جدا مستند .



در نه سال پیش

اطلاعات - ۹ شهر یورماه ۱۳۰۶

خواستن اسامی متخصصین

از وزارت فوائد عامه وزارت امور خارجه شرحی نوشته شد که بوسیله مامورین خود در خارجه ابرواییانیکه در عملیات فنی و مهندسی تخصص دارند اسامی آنها را اطلاع دهند که در موقع احتیاج برای امور فنی طرق و راه آهن استخدام شوند

قدغن مکاتبه مستقیم

بر حسب ابلاغ تصویب نام هیئت وزراء به کلیه مامورین و رؤسای ادارات در امالات و ولایات دستور داده شد که مابین کان مقیمین در ولایات باید امور قضائی و سیاسی اتباع دولت متبوع خود را بوسیله ولایه و حکام اجام و بهیچوجه حق مکاتبه مستقیم با ادارات رسمی دولتی ندارند و در صورتیکه در اسالات رسمی و خصوصی بوشند علماً مراسلات آنها را برای ولات و حکام ارسال دارند

تقریر اطلاعات

دو شب به

نوع تاریخ	روز و ماه	سال
شمسی یاری	۹ شهرور	۱۳۱۵
قمری هجری	۱۳ جمادی الثانی	۱۳۵۵
سیحی میلادی	۳۱ اوت	۱۹۳۶
عبری صیهویت	۱۳ بابلول	۵۶۹۶

طلوع آفتاب - ساعت ۳۴ دقیقه ۷ صبح شب

غروب آفتاب - ساعت ۲۶ دقیقه ۵۷ عصر

سیار و حصول اطمینان کامل از اینکه کار به بحر روزنامه و بیطرف هشتم اوراق و دوربین راسترد داشته و دو نفر سرباز از جوانان فوق الذکر را برای هدایت به راهی من روانه داشت .

هادی من جوابی بود ۱۹ ساله محصل دانشگاه حقوق که بول خود « برای نجات وطن از دست کمونیستها و دفع این بلیه زعالم » داخل شورشیان گردیده بود .

از این بعد مسافرت ماسورت بهتری ادامه میبافت زیرا در ایستکه های مامورین راه پس از آنکه فرمان توقف داده شده وار انومیل پیاده میشدیم مرابا جمله « ما بوس آریا » سعی دست خود را بلند کننید شنیده میشد ولی سرباز جوان ما را معرفی نمود و توقف را کوتاه می کرد .

لوژورنال

اخبار داخل

انباری

جشن ولادت ملکه هلند

امروز از ساعت ۵ بعد از ظهر مراسم جشن سالنامه ولادت علیا حضرت ملکه هلند در محل یلاقی سفارت (البته شیران) منعقد میگردد آقای وزیر مختار و خانم اشان از کوردیلانیک و محترمین دعوت بعمل آورده اند

مراجعت از اروپا

آقای دکتر فریدی که مدتی برای تکمیل تحصیلات عالی طب بیاریس عزیمت نموده بودند و در امراض جهاز هاضمه تخصص یافته اند بطهران وارد شده اند

ولایات

هیئت متخصیصین فلاحی شوروی در گردش های مازندران

شاهی ۷ شهریور - امروز دو ساعت بعد از ظهر هیئت فلاحی شوروی با تون شاهی وارد

ناهار را در موسسه فلاحی صرف بدتی در کارخانه شاهی مشغول گردش بودند بدکارخانه فندره شپرا در شاهی توقف و از طرف موسسه فلاحی پذیرائی شدند

گرمی هوا

کرکان ۶۷ - دودوز است فوق العاده هوا گرم شده امروز اورا آاده بارندگی است

تلگراف مخبر مخصوص اداره

از و شهر

خریداری گندم

تهران - اطلاعات - گندم بواسطه خریداران آلمانی که پیدا شده اند ترقی کرده و بازار آن خوب است

ورود جر اقبال برقی

چون برای نقل و انتقال بارهای سنگین از کشتی بیارانداز کمک احتیاج بجرا اقبال برقی بود دستگاه جر اقبال مزبور را وارد کرده اند و از این حیث هم تسهیل و هم تسریع برای نقل و انتقال مال التجاره از گشتی بساحل شده است

تلف مخبر اداره از قزوین

کلاسهای اکابر

در تعقیب آگاهی نامه منتشره از طرف انجمن اکابر و توجهات مخصوص سبب سیست و تعمیم معارف در میان توده های و تشویق اهالی برای ورود بکلاس های اکابر و شرح فوائد آن در ظرف این دو روزه در حدود یازده نفر داوطلب آسای خود را برای ورود بکلاسهای مزبور ثبت رسانیده اند و مقدمات افتتاح ۱۴ باب کلاس اکابر (۸ باب آن در شهر و ۶ باب دیگر آن در دیوکت) از هر جهت فراهم گردیده است

خانمه امتحانات

امتحانات طلاب که از اوایل مرداد ماه شروع شده بود تحت نظر هیئت متعنه در دبیرستان پهلوی در اواخر مرداد ماه خاتمه و برسد گی اوراق امتحانیه مشغول هستند

مقدمات ساختمان دبیرستان

خری عمارت و کلیه که برای ساختمان دبیرستان پهلوی در نظر گرفته شده بود با جذبت پیشرفت کرده و فریبا خانه خواهد یافت

از شیراز

بلنکات زن رادریده و چند مرد را مجروح کرده است

از شیراز اطلاع میدهند که در قلعه شمش آباد دو نفر زن که باغی برای انجام کاری وارد باغ شده بودند پس از ورود شاغ حیوان عظیم الجثه و مهیبی را می بینند که مشغول خوردن لاشه است حس کنجکاری آنها را وادار میکند که قدری نزدیکتر رفته و از موضوع بخوبی با خبر شوند چون چند دمی بخوان نزدیکتر میشوند می بینند بلنگی است که سگی را یاره کرده و بخوردن لاشه آن مشغول است بلنک چون متوجه زن ها میشود لاشه را رها کرده با خیز سبکی به سمت آنها حستن میکند و یکی از دو نفر زن را گرفته و یاره مینماید زن دیگر که بلنک را مشغول یاره کردن رفیق خود می بیند موقع را برای فرار مناسب دیده و از باغ بیرون میاید و قضیه را به کتفر مردان اهالی قلمه خبر میدهد مشاوالیه چون نزدیک میشود بلنک با گمان بطرف او میجهد و بوی بجنک و ستر می یزداد و بگدست او را جویده و تنگی از کرمی اندازه عاقبت مرد دیگری با غنک سر بر میرسد و بلنک را شامه کرده و میکشد و پوست آن را پراز کاه کرده بقصبات مسا برای ناشای اهالی میرسد

وینز دو فریه غیر آباد نزدیک قصبه مسا هنگامیکه دوازده نفر از رعایا بکارهای زراعتی مشغول بودند طفلی با آه و ناله باها میرسد و اظهار میدارد که یلنگی الاغ او را در موقع چربیدن یاره کرده و اکنون مشغول خوردن آن است رعایا اداس و غمگین و چون بهادیت طفل به آنکام میرود و می

در دیوان جزای عمال دولت

جریان محاکمه متهمین وزارت طرق

جریان بعد از تنفس دیروز

در صفحه دوم طبع شده است

جریان امروز صبح

دفاع آقای ملکی وکیل مدافع آقای سلطان محمد عامری

۳ ساعت و یک ربع قبل از ظهر امروز جلسه محکمه بر است آقای جوان تشکیل گردید:

ریاست محکمه فلابه آقای ملکی یاد آوری نمود که شروع بقصد دفاع دیروز شما مرا مجبور کرد که کذ کرانی به آقایان و کلائی مدافع بهم آقایان ۱۶ نفر وکیل مدافع هستند همه تحصیل کرده و خوش فریحه و خوش بیان دیروز آقای کرانی بهم خودشان صحبت کردند و آقای ملکی هم که شروع دفاع کردند بکلیات امر پرداخته و هر گاه هر کدام از آقایان بخواهند دو روز صحبت کنند تنها موضوع دفاع آقایان ۳۲ روز بطول میآید البته در اصل رایت و اقرار خیلی میشود صحبت کرد و موضوع اصل مذکور هم خیلی اهمیت دارد ولی جای آن در مدرسه است نه در محکمه در محکمه باید راجع بدوسیه حرف زد و دوسیه را موشکافی کرد و ملاحظه حال متهمین را نمود - آقای مدعی العموم یک ادعا نامه تهیه کرده اند و از آنچه که در ادعای نامه ایشان است باید دفاع نمود و می دانم اکنون اولین حرفی که آقای ملکی خواهند زد راجع بهمین تذکری است که داده شده آقای ملکی بقیه صحبت های دیروز را رعایت تذکری که داده شده ادامه بدهید

آقای ملکی: البته این تذکری که ریاست محکمه دادند رعایت میشود ولی آنچه بنظر بنده میرسد و بعرض میرسانم همان است که در دوسیه و ادعای نامه هم ذکر شده و بطوری که عرض کردم مراتب مذکور در ادعای نامه هم قسمتی از آن کلیات است یکی از عناوین آقای مدعی العموم این بود که فرموده اند متهمین در کمال آزادی اظهارات خود را نموده و نوشته اند و تعجب کرده اند که پس از آمدن بمحکمه اظهارات خود را انکار کرده اند و نسبت به یکی از مواکین بنده آقای کورس گفته اند که چرا در موقع تحقیقات چنان گفته و در محکمه چنین میگوید و چرا این حرف را زد باید دید چه موجب شده است آقایانی که در آنجا بنام فرمایش آقای مدعی العموم بازادی اظهاراتی کرده اند و در اینجا که آمده اند منکر شده اند دلیل اقرار آنجا و انکار اینجا آنها را باید فهمید و این موضوع خود قابل ملاحظه است اگر عقیده را که در آنجا اظهار کرده اند مبنی بر این تصور بوده است که حالا که اقرار میکنم و وسائل تحقیق را فراهم میآورم تخفیمی برای خود در مجازات نامین میکنم این عقیده باید اینجا هم باشد و این تصور تخفیف مجازات در اینجا هم قوت خود باقی میاید و همان اظهارات را اینجا بکنند و اگر قائل شوند باینکه آنجا قانون نمی دانستند از مقررات قوانین آگاه نبودند اینهم غیر قابل قبول است زیرا اشخاصی بودند که بنا بر فرمایش آقای مدعی العموم از قانون و مقررات جزائی اطلاع نداشته باشند پس چرا از دیوادل که خود را در محوطه دیوان جزای عمال دولت دیدند از همان روز اول انکار کردند؟ تنها تفاوتی که در این جا هست اینست که خود را آزاد دیده و چیزهایی را که تعجب نداشته و اظهار کرده اند می توانستند رد کنند و آنطور تحقیقاتی که جریان داشت و رویه که در کار بوده است آنها را بان اظهارات و ادان نموده است و با علم به اینکه اینها کسانی نبودند که از قانون آگاه نباشند و قانون ندانند و از موضوع دیوان جزای عمال دولت و براب و خفیه که در بی دارد اطلاع نداشته باشند با اطلاع از این اتراب

بنینا بلنک الاغ را یاره کرده و وجیکر آن تغذیه مینماید شای هیاهو و سناک انداختن را بیگناردید بلنک با کمال حسارت بر عیایا حمله میکند و یکی از آنها عطاء الله نام را گرفته و سر در شکم او مینماید همراهم مشاوالیه از جرأت و جسارت بلنک وحشت کرده و فرار مینماید ولی بلنک بتی از آنها موموم به رضای رای نجاب رفیقش ایستادگی نموده و در صدت بجانش مشغول میشود و بلنک حمله میکند ولی خود بجای رفیقش در چنگال بلنک گرفتار و سر و صورتش سخم مجروح میگردد

بدر رمضان که پسرش را در خطر می بیند تا زیر همای جدال می شود و بحمايت پسرش چند ضرت بلنک میزند لیکن او نیز مورد حمله این حیوان واقع میشود ولی دشمنان فرصتی پیدا میکند با داس علف پری که در دست داشت بر چشم بلنک زده او را کور میکند و سد با دست محکم کوبش را می فشارد و آن قدر فشار میدهد که آن را تنگی بیجان کرده و بر زمین میاندازد و رضای و پسرش عطاء الله اگر چه زخم زیادی داشته اند ولی از خطر مرگ بجات یافتند

آنها نمیرفتند با آزادی عتراف کنند و برای خود گرفتاری ایجاد کنند پس آنچه را که در آنجا گفته اند و خلاف بوده است از این نظر بوده که روزی در محکمه می آیند و بازادی حرفهای خود را میزنند و آنچه را که گفته اند تکذیب می کنند و اما راجع باصل اوراق و دوسیه اساسا این طرز راپورت و این همه دوسیه که روی آن تشکیل شده است وزیر دست آمده ساق نداشته و در کجا بوده است که متهم خودش راپورت میدهد و ادوا مجبور میکند که چنین راپورنی تهیه کن و روی راپورت او دوسیه تشکیل بدهند آیا ساقه داشته است؟ اگر خوب دقت فرمایید و راپورتهائی که تهیه کرده اند مطالعه نمایید دورنگ مرگ و نقطه کداری و فواصل آن هم یک چیز دیگری است که قابل دقت است

و اما اتهاماتی که منسوب باقی عامری وکیل بنده در ادعای نامه هست سه قسمت میباشد:

۱ - نعمت انتفاع از وجوه ما خوئی از شرکت هلندی بیلیغ شهزاد و پانصد تومان

۲ - نعمت اخذ پنج هزار تومان از طالقانی در سه نوبت

۳ - عبارت است از اینکه از کاسا کوفسکی چهار هزار تومان پول گرفته تا ما و ساعت کند دلایل اتهام اول: یکی اظهارات سویی داتر طرز دریافت وجه و مذاکرات مقدماتی آنها و در اینجا ذکر میکند که آقای عامری بیش از همه در این فکر بوده و مقدمات ملاقات آنها و در این قسمت اول شرحی مینویسد که قابل توجه است ملاحظه فرمایید اگر قرار است روی دوسیه صحبت کنیم و حقائق را موشکافی نمایم از روی همین دوسیه میتوانیم حقائق را پیدا کنیم هلندی ها آمدند قرار گذاشتند که شد و شهر را سازید و قرار خود را در این باب دادند و کارها گذشت و پس از آن که کارهای آنها گذشت و قرار داد خود را بستند می گویند اینجا (متهمین) بین خودشان مذاکرات داشتند که حضرات (هلندی ها) آیا خیال ندارند انسانیتی بکنند آیا نباید تذکری در این باب بآنها داده شود؟ و با این مذاکرات آمدند و پولی هم گرفتند پولی که پس از گذشتن قرار و مدار کار گرفته شده این چطور میتواند رشوه باشد

باید ببینیم اصل رشوه از وجه قانون چیست؟ رشوه برای انجام کاری و یا آن که خود داری از کاری داده می شود و در اینجا هیچ کدام از این دو مورد نبوده است کاری بوده است تمام شده و عملی انجام یافته و سلمنا که پولی هم داده شده است بنده نمیتوانم بر این پولی که داده شده است نام رشوه را اطلاق کنم

مرحله دوم اظهارات آقای نبوی و عامری و طرز صحبت بین عامری و مولوی و بالاخره محاسبه بانکی است که آقای عامری موکل بنده داشته و در این قسمت یک فریبه فقط بیش نیست که او شواسته است بعضی اقلام راجع بمحاسبه خود را در بانک توضیح بدهد و محل آن را تعیین کند در مسئله صمیمیت بین مولوی و آقای عامری واقعا این خیلی صمیمیت است که یکی ده هزار تومان نام دوست صمیمی خود بگیرد و ۶۰۰۰ تومان را باو بدهد و ۳۰۰۰ آن را هم خودش بخورد و راجع طرز دریافت وجه و بهای رفتن منزل آقای مولوی آنچه که از محتویات دوسیه اشف می شود اسمی از عامری در این جریان بود و سابقه در آنجا نیست که عامری در این جریان بوده است و بنا بر این موکل بنده اسپیکتر مانده کمپانی هلندی را که بموجب ادعای نامه بدهد وجه است بدیده است و با این استدلال چون ممکن نبوده که عامری در جریان امر وارد باشد و نام او ده هزار تومان بگیرد و ۶۰۰۰ تومان از وجه مامووفی از شرکت هلندی باو هم بدهند و ساقه در این کار داشته و متکی بدلائل و قرائن نیست آنرا رد میکنم

و اما راجع رفتن منزل نبوی و از آنجا رفتن منزل ایشان (عامری) که در اینجا خودشان اظهار کرده اند رفیق منزل ایشان (عامری) و دلیل این ادعا را تشابهات منزل ذکر کرده اند مستند به اسنادی نیست و در امر جرائی این امر وجود ندارد که وقتی یک کسی میگوید من رفیق منزل لابی و شانی های منزل او را داده ام با بگوئیم چون تشابهات منزل او را داده است پس رفته است و اینکه رفته است پس اتهام منسوب بصاحب منزل هم صحیح است

دیگر اینکه در آن موقعیکه آقای نبوی میگوید رفیق منزل عامری و تشابهات منزل ایشان را میدهد تحقیق کنید درجه تاریخی بوده است؟ در همان تاریخ شهر داری منزل عامری را برای توسیع حیایان حراب کرده و تصدیق آن

اخطار

آقایان تجار و مدیران موسسات تجاری را متوجه مینماید که طبق مقررات مربوط بانحصار تجارت خارجی جنسی که برای آن از اداره کل تجارت تحصیل مواخت نامه سفارش مال التجاره مینماید باید از مدیران برای شخص اوسا که نام آن در مواخت نامه با جواز ورود فید شده است حمل و اسناد و مدارک فروش و حمل مال التجاره نام شخص یا اوسه مزبور باشد و الا در صورتی که اسناد و مدارک نام دیگری باشد برای آن جنس جواز ورود داده نمیشود بنابر این اشخاصی که قصد سفارش مستقیم نام خود ندارند باید از نقاضای مواخت نامه خود داری سوده و خود را دچار خسارت نکنند

شماره ۱۷۱۷۱۸۰۰۰

اداره کل تجارت

شماره اعلان ۲۶۰۶

دبیرستان نور بخش

از روز شنبه چهار دهم شهریور ماه ساعت ۸ تا ساعت ۱۲ همه روزه شیر از روز یکشنبه دفتر دبیرستان برای ثبت اسامی داوطلبانی که افلا دوره ابتدائی خود را تمام کرده اند باز است شاگردان خود دبیرستان که برای دروس مختله تجدیدی شده اند برای دادن امتحانات خود در روز مذکور به دفتر دبیرستان رجوع فرمایند

شماره اعلان ۲۶۰۸

شماره ۳ - ۱

آقای طالقانی چهار راپورت میدهد در راپورت اول کلیات است که قسمتی از آن مربوط به دیگری بوده و از آن فارغ شدیم (اشارت به محاسبه و سره آقای منصور وزیر سابق طرق میباشد) و در راپورت دوم یک مقصد را شرح میدهد که چون مکلف بمحکمت گذاری بکشتور هستم و از طرفی وسائل تشویق سایرین را فراهم کنم و وزارتخانه ها را یک گتم اطلاعات خود را میدهم و حالا که همیتم در امنیت خاطر می باشم پول هائی که داده ام شرح می دهم بچه کیفیت بوده است ۵۰۰۰

در این راپورت دوم هم اسمی از عامری و امیر اصلانی نیست

در راپورت سوم خود اشاره میکند که فراموش کرده ام بعضی مطالب را بگویم و اینجا است که اسم آقای عامری و اسم آقای امیر اصلانی به میان میاید که ۱۶ هزار تومان بایشان (امیر اصلانی) داده ام و شش هزار تومان هم باقی عامری دادم که بدهد و بوزیر و خورد و نداد و چهار هزار تومان هم خود عامری دادم

سوجب راپورت خود آقای طالقانی چهار هزار تومان به آقای عامری داده است و پنج هزار تومان چرا مورد دعوی قرار گرفته است؟ اگر چهار هزار تومان صحیح است پس پنجهزار تومان چیست و اگر پنج هزار تومان درست است پس راپورت طالقانی که چهار هزار تومان بیشتر ذکر نمیکند که باای عامری داده است

یکته دوم موضوع پرداخت و کیفیات و اوضاع و احوال مربوطه بان است. آقای طالقانی مکرر در مکرر در اظهارات و تحقیقاتی که از ایشان بعمل آمده است اظهار عجز کرده اند از اینکه این پول را درجه تاریخی داده اند؟ از کجا داده اند در مقابل انجام چه کاری پرداخته اند؟ موضوع اینست که درجه تاریخی داده شده است با مورد ادعا که عنوان تکرار جرم داده ام مذ که رفته است قابل کمال دقت و ملاحظه است در اینجا می گویند جرم تکرار شده است و بنام تکرار جرم قضیه تعقیب شده آیا نباید تاریخ وقوع جرم را تعیین کرد تا تکرار آن به ثبوت برسد؟

بنده صفحات نوزده و ۲۵ مواجهه آقای طالقانی را با آقای عامری مینویسم و می دهم که مورد دقت هیئت محترم حاکمه قرار بگیرد - آقای طالقانی در اظهارات راجع به آقای عامری می گویند ایشان (یعنی عامری) یک وجود موتوری در وزارتخانه بود که کاری از دستش بر نیامد و من همین طور چهار هزار تومان بایشان دادم اگر این اظهارات حجت است و مورد استناد میباشد عامری که وجود موتوری بوده و کاری از دستش بر نیامده چه نداشته است که ۴ هزار تومان آقای طالقانی بایشان بدهند و در مواجهه آقای عامری می گویند که در دادن ۴ هزار تومان نشان بیت فرض داشته و وقتی عامری از من پول میخواسته او قرض دادم و عامری هم در تحقیقات صریحا گفته است قرض گرفته و از او سوال می کنند باز می گویند قرض گرفته ام و وعده علیه اگر استناد آنها اظهارات آقای طالقانی و محتویات دوسیه باشد را که فرض پرداخت وجهی در این مورد بشود فرض گرفتن که از نشاء میشود و علی کل ذلك اگر از من سوال کنید من می گویم اصلا قصه سحت نداشته و پولی باقی عامری داده شده در براف در قسمت عامری می گویند در دهان ۱۳۱۳ پول را پرداخته ام و سابقه پرداخت وجه باقی وزیر راجع بساحت هشتاد و کت اتوالی بوده و در اینجا بطوری که ملاحظه مینماید این مناصه در اسفند ۱۳۱۲ سداز آن کتورات است و کتورات سبل در فروردین ۱۳۱۳ صورت گرفته و از این راپورت معلوم میشود که ایشان در آن موقع ارتباط مستقیم با وزیر پیدا کرده و احتیاجی نداشته که عامری پول بدهد

مسئله دیگر طرز استدلال در این قضیه بقیه در صفحه